

فصل نهم

ایمان (سوگندها) و نذور

ایمان

تعریف ایمان:

ایمان به فتح همزه جمع یمین است و اصل یمین در لغت بمعنی دست است، و بر سوگند اطلاق شده چون وقتی دو نفر سوگند می‌خورند، هر کدام از آنها دست دیگری را می‌گیرد.

و در شرع یعنی تأکید بر چیزی با ذکر نام یا صفتی از الله جل جلاله.

با چه چیزی سوگند منعقد می‌شود؟

سوگند منعقد نمی‌شود مگر با اسمی از اسماء، یا صفتی از صفات الله جل جلاله :

از عبدالله بن عمر (رض) روایت است که پیامبر r عمر بن خطاب را دید در حالیکه در میان کاروانی حرکت می‌کرد و به پدرش سوگند می‌خورد پیامبر r فرمود : (ألا إن الله ينهاكم أن تحلفوا بأبائكم، من كان حالفا فليحلف بالله أو ليصمت) [1253] «آگاه باشید که خدا شما را از سوگند خوردن به پدرانتان نهی کرده است، کسی که سوگند می‌خورد باید یا به خدا سوگند بخورد یا سکوت کند».

از انس به مالک روایت است که پیامبر r فرمود : (لاتزال جهنم تقول : هل من مزيد، حتى يضع رب العزة فيها قدمه، فتقول : قط، قط و عزتك، و يزوي بعضها إلى بعض) [1254] «پیوسته جهنم می‌گوید آیا باز هم بیشتر هست؟ تا وقتی که خداوند صاحب عزت پایش را در جهنم قرار می‌دهد، جهنم می‌گوید به عزتت قسم، کافی است، کافی است و قسمتی از جهنم به قسمتی دیگر جمع می‌شود».

سوگند به غیر خدا شرک است:

از ابن عمر (رض) روایت است : از پیامبر r شنیدم که می‌فرمود : (من حلف بغير الله فقد كفر أو أشرك) [1255] «کسی که به غیر خدا سوگند بخورد، کفر یا شرک ورزیده است».

از ابوهریره روایت است که پیامبر r فرمود : (من حلف منكم فقال في حلفه : باللات، فليقل لا إله إلا الله، و من قال لصاحبه : تعال أقامرك : فليصدق) [1256] «هر کسی از شما

سوگند یاد کرد و در سوگندش گفت به (لات) قسم، باید بگوید : لا إله إلا الله (یعنی باید تجدید ایمان کند) و هر کس به دوستش بگوید بیا قمار کنیم، باید صدقه بدهد».

یک شبهه و جواب آن:

بعضی به غیر خدا سوگند می‌خورند با این بهانه که آنان از دروغ می‌ترسند و نیز بخاطر اینکه می‌گویند : خداوند متعال فرموده است :

(وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِإِيمَانِكُمْ) (بقره : 224)

«و خدا را آماج سوگندهای خود قرار ندهید».

جواب این شبهه اثری است که مسعر بن کام از وبره بن عبدالرحمن روایت کرده که : عبدالله گفت : (لأن أحنف بالله كاذبا أحب إلي من أن أحنف بغيره صادقا) [1257] «اگر سوگند دروغ به خدا بخورم، بهتر است از اینکه سوگند راست به غیر خدا بخورم».

اما معنی آیه همچنانکه ابن کثیر (ره) ذکر کرده این است : «از ابن عباس روایت است : (لا تجعلن عرضة ليمينك أن لاتصنع الخير، ولكن كفر عنيمينك واصنع الخير) «سوگند خود را مانع انجام اعمال خیر قرار مده، بلکه كفاره سوگندت را ادا کن و کار خیر انجام بده».

ابن کثیر گوید : «مسروق، شعبی، ابراهیم نخعی، مجاهد، طاوس، سعید بن جبیر، عطاء، عکرمه، مکحول، زهری، حسن، قتاده، مقاتل بن حیان، ربیع بن انس، ضحاک، عطاء خراسانی و سدی رحمهم الله هم اینطور گفته‌اند» [1258] اه.

فهرست

کسی که به دینی غیر از اسلام سوگند بخورد:

از ثابت بن ضحاک روایت است که پیامبر ﷺ فرمود : (من حلف بملة سوى الإسلام كاذبا متعمدا، فهو كما قال) [1259] «هر کس به دینی غیر از اسلام عمداً به دروغ سوگند خورد، او همان طور که گفته است، می‌باشد» (*).

از عبدالله بن بریده از پدرش روایت است که پیامبر ﷺ فرمود : (من قال : إني بري من الإسلام، فإن كان كاذبا فهو كما قال : و إن كان صادقا لم يعد إليه الإسلام سالما) [1260] «هر کس بگوید : من از اسلام بری هستم، اگر دروغ گفته باشد از اسلام بری شده و اگر راست گفته باشد اسلام، سالم به او بر نمی‌گردد».

هرگاه برای کسی به خدا سوگند خورده شود، باید راضی گردد

از ابن عمر روایت است که پیامبر r شنید که مردی به پدرش سوگند می‌خورد، فرمود: (لَاتَحْلِفُوا بِآبَائِكُمْ، مِنْ حَلْفِ بِاللَّهِ فَلْيَصِدْقَ، وَ مِنْ حَلْفِ لِهَ بِاللَّهِ فَلْيُرِضْ، وَ مِنْ لَمْ يَرْضِ بِاللَّهِ فَلْيَسْ مِنْ اللّٰهِ) [1261] «به پدرانتان سوگند نخورید، هرکس به خدا سوگند می‌خورد، باید راضی بگوید، و برای هر کس به خدا سوگند خورده شود، باید راضی شود و کسی که به خدا راضی نشود از (بندگان مؤمن به) خدا نیست.»

از ابوهریره روایت است که پیامبر r فرمود: (رَأَى عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَجُلًا يَسْرِقُ، فَقَالَ : أَسْرَقْتَ؟ قَالَ : لَا وَالذِّي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ. فَقَالَ عِيسَى : أَمْنْتُ بِاللَّهِ، وَ كَذَبْتَ بَصْرِي) [1262] «عیسی بن‌مریم مردی را دید که دزدی می‌کرد به او گفت آیا سرقت کردی؟ گفت نه، قسم به ذاتی که هیچ معبود بر حقی جز او نیست، عیسی فرمود: به خدا ایمان آوردم و چشمم را تکذیب کردم.»

فهرست

انواع سوگندها

سوگنده بر سه نوع است:

1- سوگند لغو

2- سوگند غموس.

3- سوگند منعقد.

سوگند لغو و حکم آن:

سوگند لغو، سوگندی است که بدون قصد و نیت باشد؛ مانند کسی که می‌گوید: به خدا باید بخورید یا بنوشید و غیره، که قصد سوگند ندارد.

این سوگند منعقد نمی‌شود و موجب بازخواست هم نمی‌گردد:

خداوند متعال می‌فرماید:

(لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ، وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبْتُمْ قُلُوبِكُمْ) (بقره):
(225)

«خداوند شما را به خاطر سوگندهایی که بدون توجه یاد می‌کنید مؤاخذه نخواهد کرد ولی شما را در برابر آنچه دل‌هایتان کسب کرده (واز روی اراده و اختیار بوده) مؤاخذه می‌کند.»

و می‌فرماید :

(لَايُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ، وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُم بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ) (مائده : 89)

«خداوند شما را به خار سوگندهای بیهوده و بی‌اراده بازخواست نمی‌کند ولی شما را در برابر سوگندهایی که از روی قصد و اراده خورده‌اید مؤاخذه می‌کند».

از عایشه (رض) روایت است : آیه (لَايُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ) درباره سوگندهایی مانند «نه والله» و «بله والله» نازل شده است».^[1263]

سوگند غموس و حکم آن:

سوگند غموس سوگندی دروغین است که با آن حقوق پایمال می‌شود، یا سوگندی است که با آن قصد فسق و خیانت کنند و به غموس (فرورنده) نامگذاری شده چون باعث فرورفتن صاحبش در گناه و سپس در آتش می‌شود.

این سوگند از بزرگترین گناهان کبیره است و هیچ کفاره‌ای ندارد؛ چون خداوند متعال می‌فرماید : (وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُم بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ) «ولی شما را در برابر سوگندهایی که از روی قصد و اراده خورده‌اید مؤاخذه می‌کند».

این سوگند منعقد نمی‌شود؛ چون سوگند منعقد سوگندی است که امکان دادن کفاره در آن وجود داشته باشد. و در سوگند غموس وفا به سوگند اصلاً امکان ندارد و بر کار خود یاد نمی‌شود :

خداوند متعال می‌فرماید :

(وَلَا تَتَّخِذُوا أَيْمَانَكُمْ دَخْلًا بَيْنَكُمْ فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا وَ تَذُوقُوا السُّوءَ بِمَا صَدَدْتُمْ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَلَكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ) (نحل : 94)

«سوگندهایتان را در میان خود وسیله نیرنگ و فساد نسازید (و مردمان را به قسمهای دروغ گول نزنید و از راه راست بدر نکنید اگر سوگند و قسم یاد کنید و بدان وفا نکنید این امر) سبب می‌شود که گامهای ثابت، از جای بلغزد و به سبب جلوگیری از راه خدا دچار بلا و بدی شوید و در آخرت عذاب بزرگی داشته باشید».

طبری (ره) گوید :

«معنی آیه (وَلَا تَتَّخِذُوا أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ) این است که : سوگندهای خود را وسیله فریب و خیانت در وفای به پیمانهای خود با کسانی که پیمان بسته‌اید، قرار ندهید، تا آنان بدینوسیله به شما اطمینان کنند در حالی که شما در دل قصد خیانت دارید». [1264] ا.ه.

از عبدالله بن عمرو روایت است که پیامبر r فرمود : (الكبائر : الإشراف بالله، و عقوق الوالدين، و قتل النفس، واليمين الغموس) [1265] «گناهان کبیره عبارتند از : (شریک قرار دادن برای خدا، اذیت کردن والدین، کشتن کسی (به ناحق) و سوگند غموس».

از ابوهریره روایت است که پیامبر r فرمود : (خمس ليس لهن كفارة : الشرك بالله عزوجل، و قتل النفس بغير حق، أو نهب مؤمن، أو الفرار من الزحف، أو يمين صابرة يقطع بها مالا بغير حق) [1266] «پنج گناه کفاره ندارد : شریک قرار دادن برای خدای عزوجل، کشتن کسی به ناحق، غارت کردن (مال) مؤمن، فرار از میدان جنگ و سوگند غموسی که با آن مالی به ناحق گرفته شود».

فهرست

سوگند منعده و حکم آن:

سوگند منعده سوگندی است که شخص برای تأکید انجام یا ترک کاری آن را با قصد یاد می‌کند، و بر آن مصمم است.

اگر به سوگندش وفا کرد گناهی بر او نیست، ولی اگر وفا نکرد، باید کفاره بدهد، به دلیل فرموده خداوند متعال :

(وَلَٰكِنْ يُؤَاخِذُكُم بِمَا كَسَبْتُمْ قُلُوبِكُمْ) (بقره : 225)

«ولی شما را در برابر آنچه دل‌هایتان کسب کرده (واز روی اراده و اختیار بوده) مؤاخذه می‌کند».

و می‌فرماید :

(وَلَٰكِنْ يُؤَاخِذُكُم بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ) (مائده : 89)

«ولی شما را در برابر سوگندهایی که از روی قصد و اراده خورده‌اید مؤاخذه می‌کند».

ملاک در سوگند، نیت است:

از عمر بن خطاب t روایت است : از پیامبر r شنیدم که می‌فرمود : (إنما الأعمال بالنيات) [1267] «قبول و صحت اعمال با نیت است».

پس هر کس بر انجام کاری سوگند بخورد و نیت کار دیگری را در دل داشته باشد، نیتش معتبر است نه لفظش :

از سوید بن حنظله روایت است : **(خرجنا نريد رسول الله r و معنا وائل بن حجر، فأخذه عدوله، فتخرج الناس أن يحلفوا، فحلفت أنا إنه أخی فحلی سبيله، فأتينا رسول الله r فأخبرته أن القوم تخرجوا أن يحلفوا، و حلفت أنا إنه أخی، فقال : صدقت، المسلم أخو المسلم)** [1268] «به قصد دیدن پیامبر r خارج شدیم، وائل بن حجر هم با ما بود، یکی از دشمنان وائل، او را گرفت، مردم از سوگند خوردن برای او خودداری کردند، ولی من سوگند خوردم که او برادر من است، پس او را آزاد کردند. نزد پیامبر r آمدیم، به او گفتم : مردی از سوگند خوردن برای وائل خودداری کردند، ولی من سوگند خوردم که او برادر من است، پیامبر r فرمود : راست گفתי، مسلمان برادر مسلمان است.»

زمانی نیت شخص سوگند خورنده معتبر است که از او درخواست سوگند نشده باشد، اما اگر از او درخواست شود که سوگند بخورد، در این صورت ملاک، نیت سوگند دهنده است :

از ابوهریره روایت است که پیامبر r فرمود : **(إنما اليمين على نية المستحلف)** [1269] «سوگند بر مبنای نیت سوگنددهنده است.»

همچنین از ابوهریره آمده که پیامبر r فرمود : **(يمينك على ما يصدقك به صاحبك)** [1270] «سوگند تو برحسب نیتی است که طرف مقابلت (سوگند دهنده) دارد.»
شکستن سوگند بر اثر فراموشی یا خطا، گناه نیست

اگر کسی سوگند خورد که کاری را انجام دهد ولی از روی فراموشی یا خطا آن را انجام داد، گناهی بر او نیست :

به دلیل فرموده خداوند متعال : **(رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا)** «خداوند! اگر فراموش کردیم یا خطا کردیم ما را بازخواست مکن» و در حدیث آمده که خداوند فرمود : **(نعم)** [1271] «دعایتان را قبول کردم.»

فهرست

استثناء در سوگند:

اگر کسی هنگام سوگند خوردن بگوید : **إن شاء الله**، استثناء کرده و گناهی بر او نیست :

از ابوهریره روایت است که پیامبر r فرمود : **(قال سليمان ابن داود نبی الله لأطوفن اللیلة علی سبعین امرأة کلهم تأتي بغلام یقاتل فی سبیل الله، فقال له صاحبه أو الملك : قل إن شاء الله، فلم یقل و نسی فلم تأت واحدة من نسائه إلا واحدة جاءت بشق غلام)** [1272] «سلیمان بن داود پیامبر خدا گفت : امشب با هفتاد تن از همسرانم همبستر می‌شوم، تا هر

یک از آنها پسری به دنیا بیاورد که در راه خدا بجنگد، همراهش - ملائکه‌ای - به او گفت : بگو **إِنْ شَاءَ اللَّهُ**، ولی (سلیمان) فراموش کرد و نگفت، پس هیچ یک از همسرانش بجهای بدنیا نیامد مگر یک زن که او هم پسری ناقص به دنیا آورد» سپس پیامبر r فرمود : **(وَلَوْ قَالَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ لَمْ يَحْنُثْ وَكَانَ دَرَكًا لَهُ فِي حَاجَتِهِ)**. «اگر می‌گفت **إِنْ شَاءَ اللَّهُ** حانث (سوگندش شکسته) نمی‌شد و نیازی برآورده می‌شد».

از ابن عمر روایت است که پیامبر r فرمود : **(مَنْ حَلَفَ وَاسْتَتَى إِنْ شَاءَ رَجَعَ وَ إِنْ شَاءَ تَرَكَ غَيْرَ حَانِثٍ)** [1273] «هرکس سوگند خورد و استتیا کرد - گفت : **إِنْ شَاءَ اللَّهُ** - اگر خواست به سوگندش عمل کند و اگر خواست آنرا ترک کند، بدون اینکه گنهکار شود».

کسی که بر انجام کاری سوگند خورد، سپس کار دیگری به نظرش بهتر آمد چه کار کند

از ابوهریره روایت است که پیامبر r فرمود : **(مَنْ حَلَفَ عَلَى يَمِينٍ فَرَأَى غَيْرَهَا خَيْرًا مِنْهَا، فَلْيَأْتِ الَّذِي هُوَ خَيْرٌ وَلْيُكْفِرْ عَنِ يَمِينِهِ)** [1274] «هرکس بر انجام کاری سوگندخورد، سپس دید که غیر آن کار بهتر است، باید آن کار بهتر را انجام داده و کفاره سوگندش را بدهد».

نهی از اصرار بر سوگند:

خداوند متعال می‌فرماید :

(وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِإِيمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصَلِّحُوا بَيْنَ النَّاسِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ) (بقره : 224)

«و خداوند را آماج سوگندهای خویش نکنید تا اینکه نیکوکار و پرهیزگار شوید و بتوانید میان مردم به اصلاح پردازید و خداوند شنوا و دانا است».

ابن عباس می‌گوید : **(لَا تَجْعَلَنَّ عُرْضَةَ لِيَمِينِكَ أَنْ لَا تَصْنَعَ الْخَيْرَ، وَلَكِنْ كُفِّرْ عَنِ يَمِينِكَ وَاصْنَعِ الْخَيْرَ)** [1275] «سوگندت را مانعی برای انجام کار خیر قرار نده، بلکه کفاره سوگندت را ادا کن و کار خیر انجام بده».

از ابوهریره روایت است که پیامبر r فرمود : **(وَاللَّهُ لَأَنْ يَلِجَ أَحَدُكُمْ بِيَمِينِهِ فِي أَهْلِهِ أَثَمَ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ مَنْ أَنْ يَعْطَى كَفَارَتَهُ الَّتِي فَرَضَ اللَّهُ)** [1276] «به خدا قسم اگر کسی از شما در خانواده‌اش بر سوگندش پافشاری کند، نزد خدا گنااهش بیشتر است از اینکه (سوگندش را بشکند) کفاره‌ای را که خداوند فرض کرده بدهد».

فهرست

کفاره سوگند:

اگر کسی سوگندش را بشکند، کفاره آن یکی از موارد زیر است :

- 1- سیرکردن ده مسکین از غذاهای معمولی و متوسطی که به خانواده خود می‌دهید.
- 2- لباس پوشانیدن ده مسکین.
- 3- آزاد کردن برده‌ای.

اگر کسی نتواند یکی از این موارد را به جای آورد باید سه روز روزه بگیرد.

ولی اگر بتواند یکی از سه مورد فوق را انجام دهد، جایز نیست روزه را کفاره سوگندش قرار دهد.

خداوند متعال می‌فرماید :

**(لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَدْتُمُ الْإِيمَانَ فَكَفَّارَتُهُ
إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كَسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ
فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ) (مائده : 89)**

«خداوند شما را به خاطر سوگندهای بیهوده و بی‌اراده مؤاخذه نمی‌کند ولی شما را در برابر سوگندهایی که از روی قصد و اراده خورده‌اید مؤاخذه می‌کند، کفاره این گونه سوگندها عبارت است از : خوراک دادن به ده نفر مسکین، از غذاهای معمولی و متوسطی که به خانواد خود می‌دهید یا جامه دادن به ده نفر از مساکین و یا آزاد کردن برده‌ای، اما اگر کسی (هیچ یک از این سه کار را نتوانست و توانایی انجام آنها را) نیافت، سه روز روزه (بگیرد) این کفاره سوگندهایی است که می‌خورید.»

سوگند به حرام:

اگر کسی بگوید: غذایی، یا وارد شدن به خانه فلانی و غیره بر من حرام است، بر او حرام نمی‌گردد، و اگر این کارها را انجام داد باید کفاره سوگندش را بدهد :

خداوند متعال می‌فرماید :

**(يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبَتَّغَىٰ مَرْضَاةَ أَزْوَاجِكَ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ،
قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ) (تحريم : 1)**

«ای پیامبر چرا چیزی را که خداوند بر تو حلال کرده به خاطر خشنود ساختن همسرانت بر خود حرام می‌کنی؟ و خداوند آمرزگار مهربانی است، خداوند راه گشودن سوگندهایتان را برای شما مقرر کرده است.»

از عائشه (رض) روایت است: (کان رسول الله ﷺ يشرب عسلا عند زينب ابنة جحش، ويمكث عندها، فواطنت أنا وحفصة على أيتنا دخل عليها فلتقل له أكلت مغافير، إني أجد منك ريح مغافير، قال: لا، ولكني كنت أشرب عسلا عند زينب ابنة جحش، فلن أعود له، وقد حلفت لا تخبري بذلك أحدا) [1277] «پیامبر ﷺ در خانه زینب بنت جحش عسل می‌خوردونزد او می‌ماند، من و حفصه توافق کردیم که اگر پیامبر به خانه هر کدام از ما آمد به او بگوید: آیا مغافیر (نوعی گیاه بدبو) خورده‌ای؟ بوی مغافیر از تو به مشام می‌رسد، پیامبر ﷺ فرمود: نه، ولی در خانه زینب بنت جحش عسل خوردم و دیگر هرگز آن را نمی‌خورم، عائشه گفت: حفصه را سوگند دادم که این جریان را برای کسی بازگو نکند.»

ابن عباس گوید: (فی الحرام یکفر) (لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ [1278]) «برای سوگند حرام باید کفاره بدهد (چون) پیامبر الگویی خوبی برای شما است.»

فهرست

نذور

تعریف نذور:

نذور جمع نذر است و اصل آن (إنذار) بمعنی ترساندن است.

راغب اصفهانی در تعریف آن گفته است: نذر، واجب گرداندن چیز غیرواجبی است، به خاطر واقع شدن کاری.

مشروعیت نذر:

خداوند متعال می‌فرماید:

(وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ نَفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُمْ مِنْ نَذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهَا) (بقره: 270)

«و هر هزینه‌ای را که متحمل می‌شوید یا هر نذری را که بر گردن می‌گیرید، بیگمان خدا آنرا می‌داند.»

و می‌فرماید:

(ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَ لِيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَ لِيَطُوفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ)

(حج: 29)

«بعد از آن باید آلودگی‌ها را از خود برطرف سازند و به نذرهای خویش وفا کنند و خانه قدیمی (بیت‌الله) را طواف کنند».

و خداوند وفاکنندگان به نذر را مدح کرده و فرموده است :

(**يُؤْفُونَ بِالنَّذْرِ وَ يَخَافُونَ يَوْمًا كَانَتْ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا**) (انسان : 7)

«به نذر خود وفا می‌کنند و از روزی می‌هراسند که شر و بلاى آن گسترده و فراگیر است».

از عائشه (رض) روایت است که پیامبر r فرمود : **(من نذر أن يطيع الله فليطعه، و من نذر أن يعصيه فلا يعصه)** [1279] «هر کس نذر کرد که خدا را اطاعت کند، پس باید از او اطاعت کند، و هر کس نذر کرد که نافرمانی خدا کند، نافرمانی او را نکند».

فهرست

نهی از نذر معلق (*)

از عبدالله بن عمر روایت است : **(نهی النبی r عن النذر و قال : إنه لا يرد شيئا و لكنه يستخرج به من البخيل)** [1280] «پیامبر r از نذر نهی کرد و فرمود : نذر هیچ چیزی (قدری) را بر نمی‌گرداند، اما (با آن) از بخیل چیزی گرفته می‌شود» (**).

از سعید بن حارث روایت است : از ابن عمر (رض) شنیدم که می‌گفت : آیا از نذر نهی نشده‌اند؟ (در حالیکه) پیامبر r فرموده است : **(إن النذر لا يقدم شيئا ولا يؤخر، و إنما يستخرج بالنذر من البخيل)** [1281] «نذر هیچ نفعی را جلب و هیچ ضرری را دفع نمی‌کند اما (با آن) از بخیل چیزی گرفته می‌شود».

نذر چه وقت صحیح و چه وقت غیر صحیح است:

نذر وقتی صحیح است و منعقد می‌شود که منظور از آن تقرب و نزدیکی به خداوند سبحان باشد، در این صورت، وفا به آن واجب است به دلیل حدیث عائشه که قبلاً ذکر شد : **(من نذر أن يطيع الله فليطعه، و من نذر أن يعصيه فلا يعصه)** «هر کس نذر کرد که خدا را اطاعت کند، باید از او اطاعت کند و هر کس نذر کرد که نافرمانی خدا کند، نافرمانی او را نکند».

نذر در معصیت صحیح نیست، ولی با آن کفاره سوگند واجب می‌شود :

از عائشه روایت است که پیامبر r فرمود : **(لا نذر في معصية و كفارة يمين)** [1282] «نذر در معصیت صحیح نیست و کفاره آن کفاره سوگند است».

اما نذر مباح مانند اینکه کسی نذر کند که پیاده حج کند یا زیر خورشید بایستد منعقد نمی‌شود و کفاره‌ای هم با آن واجب نمی‌شود :

از ابوهریره روایت است : (رأى رسول الله ﷺ شيخا يمشى بين ابنيه يتوكأ عليهما، فقال : ما شأن هذا؟ قال ابناه : يا رسول الله كان عليه نذر فقال ﷺ : اركب أيها الشيخ فإن الله غنى عنك و عن نذرك) [1283] «پیامبر ﷺ پیرمردی را دید در حالی که دو پسرش زیر شانه‌هایش را گرفته بودند راه می‌رفت، فرمود : این مرد را چه شده است؟ دو پسرش گفتند : ای رسول خدا! او نذر کرده (که بر مرکب سوار نشود). پیامبر ﷺ فرمود : ای شیخ سوار شو. چون خدا از تو و از نذرت بی‌نیاز است.»

از ابن عباس روایت است : (أن رسول الله ﷺ مر برجل بمكة و هو قائم فى الشمس، فقال : ما هذا؟ قالوا : نذر أن يصوم و لا يستظل إلى الليل، و لا يتكلم و لا يزال قائما، قال : ليتكلم، و ليستظل و ليجلس و ليتم صومه) [1284] «پیامبر ﷺ در مکه از کنار مردی گذشت که زیر خورشید ایستاد بود فرمود : این چیست؟ گفتند : نذر کرده که روزه بگیرد و تا شب زیر سایه نرود و سخن نگوید و مدام در حال ایستادن باشد، پیامبر ﷺ فرمود : باید صحبت کند و زیر سایه برود و بنشیند و به روزه‌اش ادامه دهد.»

فهرست

کسی که نذر کرد و نتوانست به نذرش وفا کند

هر کس نذر کرد عبادتی انجام دهد و سپس نتوانست به آن وفا کند باید کفاره سوگندش را بدهد :

از عقبه بن عامر روایت است که پیامبر ﷺ فرمود : (كفارة النذر كفارة اليمين) [1285] «کفاره نذر همان کفاره سوگند است.»

کسی که نذر کند سپس بمیرد

هر کس نذر کرد و قبل از وفا کردن به آن مرد، ولیّ (سرپرست) او باید نذرش را انجام دهد :

از ابن عباس روایت است : (استفتى سعد بن عبادة رسول الله ﷺ فى نذر كان على أمه توفيت قبل أن تقضيه. قال رسول الله ﷺ : فاقضه عنها) [1286] «سعد بن عباده از پیامبر ﷺ درباره نذری که بر گردن مادرش بود و قبل از وفای به آن فوت کرده بود سؤال کرد. پیامبر ﷺ فرمود : به جای او آن را انجام بده.»